



اندیشه‌های بزرگ‌ترین

مجموعه مقالات - ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵



فرصت‌ها و تهدیدات نزدیکی نسبی مصر به محور مقاومت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات



فرصت‌ها و تهدیدات نزدیکی نسبی مصر به محور مقاومت



کاری از اندیشکده راهبردی تبیین



وبسایت اندیشکده: www.Tabyincenter.ir



نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، **خیابان شهید آیت الله نمر** (بوستان سابق)،

خیابان نسترن، پلاک ۳۲



کد پستی: ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۴



تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

فهرست

مقدمه / ۲

۱- فرصت‌ها / ۴

۲- تهدیدات / ۱۰

۳- ضرورت نگاه تلفیقی مبتنی بر فرصت‌ها و تهدیدات / ۱۴

۴- جمع‌بندی / ۱۶

منابع / ۱۷

(جهت دسترسی آسان تر به مطالب، می‌توانید روی عنوان مورد نظر کلیک کنید)

این روزها، مصرِ سیسی بیشتر از هر زمان دیگری، در نزدیکی محور مقاومت به سر می‌برد؛ نزدیک است اما هم‌چنان فاصله دارد. این تلقی البته باید با احتساب همه‌ی اقتضائات و ملاحظات باشد. در غیر این صورت ممکن است در فهم منویات سیسی و حد و مرز این تغییر الگوی رفتاری از سوی او، خطایی صورت گیرد که خودش را در طراحی راهبردها و تاکتیک‌ها از سوی ایران به نمایش گذارد. [۱] نزدیکی سیسی به سوریه و افزایش فاصله‌اش از عربستان، حداقل دو معادله هستند که هیچ‌کدام هم جامعیت ندارند؛ یعنی نمی‌توان از هر کدام از این معادلات، تغییر رفتار قاطع سیسی در همه‌ی زیرسیستم‌های منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را نتیجه گرفت. اگرچه بشار اسد در موضع‌گیری‌اش پس از آزادی حلب، سعی کرد تا نقش مصر را در این آزادی پررنگ کند تا جایی که گفت اگر این حمایت‌ها نبود، شاید آزادی حلب حاصل نمی‌شد، اما واقعیت این است که بخشی از رفتار منطقه‌ای این روزهای سیسی، بیشتر از این که از حبّ اسد و محور

مقاومت باشد، از بغض سلمان، پادشاه عربستان است. البته سهم این استدلال در نگرش سیسی به بحران سوریه، کم است. این ملاحظات می‌تواند نیات راهبردی سیسی از بازی در شطرنج منطقه را آشکار کند.

با این وجود، رفتار هم‌سوی سیسی با محور مقاومت در بحران سوریه، اگرچه باید دقیق‌تر دیده شود اما در صورت توسعه روابط، می‌تواند فرصت‌ها و تهدیداتی را برای محور مقاومت و به خصوص جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید. برخی از این فرصت‌ها اکنون فراهم شده است.

اندیشکده راهبردی تبیین

۱- فرصت‌ها

نزدیکی مصر به محور مقاومت و ایران می‌تواند فرصت‌های مختلفی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برای تهران داشته باشد. آن‌چه در ادامه می‌آید، متمرکز بر فرصت‌های سیاسی ناشی از این نزدیکی نسبی است.

۱-۱- شکاف در صفت‌بندی عربستان در جنگ دیپلماتیک با ایران

پس از برجام و به طور مشخص تر پس از اعدام شهید آیت‌الله نمر، عربستان سعودی به طور آشکاری در پی ساماندهی یک جنگ دیپلماتیک علیه ایران برآمد. او در این جنگ سعی کرده و می‌کند تا زمینه‌ی انزوای ایران را در منطقه، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل فراهم سازد. پایان دادن یا تقلیل روابط دیپلماتیک از سوی کویت، قطر، اردن، جیبوتی، سودان و برخی



کشورهای دیگر با ایران، در این چارچوب قابل تحلیل است. عربستان از دیپلماسی دلار حداکثر استفاده را کرد تا در این راه موفق‌تر باشد. [۲] این منطق کار را به آن جا رساند که در نشست سران کشورهای عربی و کشورهای آمریکای لاتین که سال گذشته برگزار شد، عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان در گفتگو با شبکه العربیه با صراحت تمام گفت: «معمولا دوستان ایران کشورهای هستندی که کسی به آنان رغبتی ندارد. روابط ایران با کشورهای عربی خطری برای کشورهای عربی است اما بالعکس، افزایش روابط کشورهای عربی با آمریکای لاتین، سبب انزوای بیشتر ایران می‌شود.» [۳]

طبیعی است هرگونه افزایش فاصله‌ی مصر با عربستان، در صورتی که حداقل با خصومت‌ورزی قاهره با تهران همراه نباشد، زمینه را برای برهم خوردن صف‌بندی سعودی در مصاف دیپلماتیک با ایران فراهم می‌سازد. این برای ایران یک فرصت است که پیش‌نیاز استفاده حداکثری از آن، فهم نیات راهبردی السیسی،



شناخت میزان اختلاف او با ریاض و هم‌چنین تعریف
منافع مشترک با قاهره می‌باشد.

۱-۲- نقش آفرینی مصر به عنوان رقیب عربستان

به طور سنتی و مبتنی بر روندهای تاریخی، در رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، چهار قطب ایران، ترکیه، عربستان و مصر فعال بوده‌اند. اوج قدرت‌نمایی مصر در دهه‌های اخیر مربوط می‌شود به دوران جمال عبدالناصر. ناصریست‌ها در نقاط مختلف منطقه از جمله در عراق، یمن، سوریه، لبنان و برخی کشورهای آفریقایی، وارد معادلات قدرت شده بودند. این مساله در کنار جایگاه تمدنی مصر موجب می‌شد تا این کشور مهم‌ترین نامزد رهبری جهان عرب باشد. پس از ناصر و به خصوص با پذیرش کمپ دیوید از سوی انور سادات، مصر آن جایگاه رفیع منطقه‌ای را از دست داد. نقش رهبری مصر حالا به نقش تبعی تبدیل



شده بود. این امر بیش از هر چیزی، خیال عربستان را آسوده‌می‌ساخت.

عبدالفتاح السیسی اکنون به دنبال بازیابی آن جایگاه رفیع منطقه‌ای برای مصر است. اختلافات او با عربستان که در حوزه سوریه و سد النهضه در اتیوپی به اوج رسیده است، بیان‌گر این است که السیسی الزاماتنا ندارد همه‌ی مواضعش را با دلارهای سعودی معاوضه کند، اگرچه بخشی از رفتارهای او کاملاً در این چارچوب تحلیل می‌شود.

توسعه اختلافات میان مصر و عربستان و تلاش السیسی برای ارتقای نقش خود در جهان عرب، در صورت تحقق می‌تواند قاهره را به‌عنوان رقیبی جدی برای ریاض معرفی کند. این امر برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت محسوب می‌شود. افزایش قطب‌های رقابت در منطقه به‌معنای این است که قطب‌های جدید در همه‌ی پرونده‌ها، همسوی ریاض نخواهند بود و الگوهای رفتاری جدیدی می‌تواند در



سامانه‌ی نظم منطقه‌ای مطرح شود.

۱-۳- همراهی سیاسی با دولت اسد در پرده آخر بحران سوریه

بشار اسد در موضع گیری اش پس از آزادی حلب، به طرز شگفت‌انگیزی از مصر یاد کرد. او ضمن تشکر از متحدانش گفت که اگر کمک‌های السیسی نبود، شاید آزادی حلب محقق نمی‌شد. این جمله‌ی مبالغه‌آمیز بیشتر از هر کسی، احتمالاً سران عربستان را رنج داده است. اختلاف موضع میان مصر و عربستان بر سر بحران سوریه از آن دست مواردی است که با احتمال بسیار بالا، برای السیسی قابل معاوضه با پول نیست. سوریه در سیاست خارجی مصر، جایگاه مهمی دارد. [۴] نکته قابل تامل تر در این خصوص این است که به هر میزان که دستاوردهای میدانی در سوریه افزایش یافته،



حمایت‌های سیسی نیز آشکارتر شده است. روزنامه لبنانی الدیار اواخر شهریور ۹۴ نوشت در این خصوص نوشت: «عبدالفتاح سیسی اخیرا با علی مملوک رئیس دستگاه اطلاعات سوریه که به قاهره سفر کرده بود، دیدار کرده است.» بر اساس گزارش این روزنامه، سیسی در جریان دیدار خود با مملوک خطاب به وی گفته است: «از شما می‌خواهم پیام حمایت من از اسد را به وی برسانید؛ من بر این اعتقاد هستم که اسد سقوط نخواهد کرد.» [۵] این خبرها در آن زمان به صورت رسمی از سوی قاهره اعلام نمی‌شدند اما حالا مصر با صراحتی بالا و حتی به صورت حمایت نظامی، از بشار اسد و تمامیت ارضی سوریه دفاع می‌کند.

به نظر می‌رسد با افزایش دستاوردهای میدانی، حمایت‌های سیاسی قاهره از دمشق نیز افزایش خواهد یافت. این امر به این معناست که هرچقدر به پرده‌های آخر بحران سوریه نزدیک شویم، حمایت‌های سیسی از بشار اسد بیشتر خواهد شد. به بیانی دیگر، در شرایطی



که بشار اسد به مشروعیت بیشتری در جهان عرب نیازمند است تا بتواند پایان بحران را مبتنی بر روش‌های سیاسی رقم زند، حمایت‌های بازیگری چون مصر از او یک امتیاز مهم محسوب می‌شود.

۲- تهدیدات

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که می‌تواند نتیجه‌ی توسعه‌ی روابط ایران و مصر باشد، رنجش و واگرایی بیشتر اسلام‌گرایان اخوانی از ایران خواهد بود. این تهدید در ادامه تشریح می‌شود.

۱-۲- واگرایی بیشتر اسلام‌گرایان اخوانی

یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که می‌تواند در نتیجه‌ی توسعه روابط عبدالفتاح السیسی و محور مقاومت ایجاد



شود، رنجش بخشی از اسلام‌گرایان اخوانی از تهران می‌باشد. این امر البته ریشه‌ی تاریخی دارد. جمهوری اسلامی ایران در ماجرای درگیری‌های نظامی داخلی در سوریه در سال ۱۹۸۲ و کشته‌شدن بخشی از اعضای اخوان المسلمین در شهر حماه، موضعی اتخاذ کرد که زمینه‌ی رنجش و واگرایی برخی از گروه‌های اسلام‌گرای سنی از تهران را فراهم ساخت. البته در این که موضع حامیان‌هی ایران از حافظ اسد در آن ماجرا، درست بوده است یا غلط، نکاتی گفته شده که از قضا با توجه به الزامات و اقتضائات ایران در آن شرایط، به نظر می‌رسد هر دو گروه منتقدان و حامیان آن موضع ایران، استدلال‌های موجهی دارند. با این وجود اما واقعیت این است که تصویر شکل گرفته از ایران برای اخوانی‌ها در آن ماجرا، ابعادی منفی داشت که منجر به تغییر رویکرد آن‌ها نسبت به ایران شد. این تغییر رویکرد البته نه جامعیت داشت که همه‌ی اخوانی‌ها و اسلام‌گرایان سنی را در برگیرد و نه از شدت یکسان در میان همه گروه‌ها برخوردار بود. اما قابل انکار هم



نیست. به عنوان مثال عصام العطار مراقب کلّ اخوان سوریه که کتابی در حمایت از انقلاب اسلامی ایران نوشته بود و شیخ حوّی که شیخ بزرگ اخوان سوریه بود و به پس از پیروزی انقلاب در سال ۵۷ به ایران آمده و با امام خمینی (ره) هم دیدار کرده بود، پس از ماجرای حماه رفتاری متفاوت از خود نسبت به ایران نشان دادند. حوّی کتابی سراسر لعن و نفرین در سال ۱۹۸۷ علیه ایران نوشت. [۶]

پس از کودتای ارتش در ۳ جولای ۲۰۱۳ و برکناری و بازداشت محمد مرسی، حامیان مرسی در دو میدان النهضه و رابعه العدویه و هم‌چنین مقابل گارد ریاست جمهوری تجمعات بزرگی را ایجاد کردند. سرانجام این تجمعات، حمله و سرکوب شدید مردم بود. آمارهای متعددی از تعداد کشته‌ها منتشر شده است. اخوان المسلمین معتقد است قریب به چهار هزار نفر در این حملات کشته شده‌اند و این در حالی است که ارتش، آمارهای حدود ۸۰۰ کشته را بیان کرد. با احتساب امکان



دست‌بردن در آمار واقعی، باز هم این عدد قابل توجه است.

موضع ایران در قبال این کشتار بی‌رحمانه و وسیع، هوشمندانه بود. ایران این حوادث را محتاطانه محکوم کرد. اگرچه برخی گرایش‌ها در ایران آشکارا از سقوط مرسی و روی کار آمدن السیسی رضایت داشتند اما موضع رسمی نظام کاملا مدبرانه و مبتنی بر مبانی مشخصی بود. همین امر باعث می‌شد تا احتمال واگرایی اخوانی‌ها از ایران، کم و کمتر شود. با همه انتقاداتی که به مرسی وارد است، به هر حال او رئیس‌جمهور قانونی مصر بود که نمی‌شد با ادعای ناکارآمدی، علیه او کودتا کرد.

اکنون نیز یکی از تهدیداتی که توسعه‌ی روابط ایران و مصر می‌تواند ایجاد کند، واگرایی بیشتر بخشی از اخوانی‌ها از تهران به دلیل نزدیکی به السیسی‌ای است که دستش به خون صدها نفر از مردم مسلمان مصر آلوده است. این امر با توجه به پایگاه اجتماعی



اخوان در مصر و منطقه، نگاه تمدنی جمهوری اسلامی ایران و همچنین امکان تغییرات سیاسی در مصر، حائز اهمیت است [۷] و می‌تواند منافع بلندمدت تهران را دچار محدودیت‌هایی سازد. واقعیت این است که اخوان المسلمین مهم‌ترین جریان اهل سنت است که با همه‌ی ضعف‌ها و کاستی‌ها، زمینه‌ی هم‌گرایی‌اش با ایران بیشتر است. واگرایی بیشتر اخوان از ایران، عملاً اهداف راهبردی و کلان نظام از جمله وحدت اسلامی را مخدوش می‌سازد.

۳- ضرورت نگاه تلفیقی مبتنی بر فرصت‌ها و تهدیدات

آسان‌ترین روش در مواجهه با اموری که به‌طور هم‌زمان حاوی فرصت‌ها و تهدیداتی هستند، تمرکز صرف بر یکی از این دو است؛ یا فرصت‌ها را در نظر



بگیریم و وارد حوزه عملیاتی شویم و یا تهدیدات را در نظر گرفته و از اساس، صورت مساله را پاک کنیم! اما واقعیت این است که در صورت غالب و قاطع نبودن هر یک از این دو، می‌توان مبتنی بر یک نگاه تلفیقی، به گونه‌ای حرکت کرد که بیشترین فرصت‌ها کسب و بیشترین تهدیدات دفع شود. به نظر می‌رسد توسعه روابط با مصر از این دست باشد. نه می‌توان از فرصت‌های هم‌سوایی نسبی مصر با محور مقاومت (که محل بحث است و باید به صورت دقیق رصد و فهم شود) گذشت و نه می‌توان از تهدید ناشی از واگرایی اسلام‌گرایان اخوانی از تهران عبور کرد؛ هر دو را باید در کنار هم دید و نه منافع کوتاه مدت را به سود منافع بلندمدت رها کرد و نه منافع بلند مدت را قربانی منافع نزدیک ساخت. این پیچیدگی سیاست‌گذاری است و گرنه با یک نگاه تک‌مولفه‌ای مبتنی بر فرصت و یا تهدید، عملاً کار دشواری پیش‌رو نیست. آیا سیاست‌گذاران خارجی جمهوری اسلامی ایران، این‌گونه به موضوع مصر و نزدیکی به قاهره‌ی السیسی می‌نگرند؟ به نظر این سوال مهمی است.



۴- جمع بندی

ژنرال السیسی رئیس جمهور مصر، اکنون الگوی رفتاری متفاوتی را در قبال عربستان در دستور کار قرار داده است. او در حال فاصله گرفتن از ریاض است اما این به معنای نزدیکی الزاماً راهبردی او به ایران و محور مقاومت نیست. در هر صورت باید رفتارهای او بررسی و نیات راهبردی اش مشخص شود تا به توان مبتنی بر آن، از فرصت‌های نزدیکی نسبی مصر به محور مقاومت بهره‌برداری کرد. در این مقاله صرفاً فرصت ناشی از این نزدیکی مطرح و بررسی شد که عمدتاً هم سیاسی هستند؛ شکاف در صف بندی عربستان در جنگ دیپلماتیک با ایران، نقش آفرینی مصر به عنوان رقیب عربستان و همراهی سیاسی با دولت اسد در پرده آخر بحران سوریه.

اما علاوه بر این فرصت‌ها، یکی از تهدیدات ناشی از این نزدیکی که در این مقاله مورد تبیین قرار گرفت، احتمال واگرایی بیشتر اسلام‌گرایان اخوانی از ایران



می‌باشد. در مجموع به نظر می‌رسد برای استفاده حداکثری از فرصت‌ها و هم‌چنین دفع تهدیدهای ناشی از نزدیکی نسبی مصر به محور مقاومت، ضرورت نگاهی تلفیقی مبتنی بر فرصت‌ها و تهدیدها امری قابل تامل باشد. طبیعی است که چنین نگاهی در عرصه‌ی عمل، دشواری‌های خاص خود را دارد.

منابع:

[۱]. برای مطالعه بیشتر در خصوص روابط ایران و مصر، ن. ک. محمدرضا مرادی. «متغیرهای میانجی در بهبود روابط ایران و مصر». اندیشکده راهبردی تبیین. ۱ دی، ۹۵، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/15528>

[۲]. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ن. ک. سعید ساسانیان. «عربستان چگونه با «دیپلماسی دلار» در پی مهار منطقه‌ای ایران است؟». اندیشکده راهبردی تبیین. ۱۰ اسفند، ۹۴، قابل دسترس در:

<http://tabyincenter.ir/13459>



- [۳]. «الجبیر: تقارن نامع أميركا اللاتينية يزيد من عزله طهران» .
العربية. نوفمبر ۲۰۱۵؛ alarabiya.net
- [۴]. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ن. ک: سعید
ساسانیان. «جایگاه سوریه در سیاست خارجی مصر؛ ثابت یا
متغیر؟». اندیشکده راهبردی تبیین. ۲۸ آذر، ۹۵ قابل دسترس
در:

<http://tabyincenter.ir/15424>

[۵] <http://www.mehrnews.com/news/2915676>

[۶]. نقش باند مهدی هاشمی معدوم و سازمان نهضت‌های
آزادی‌بخش زیر نظر او در تیره شدن این روابط و بعضی مسائل
دیگر مرتبط با اخوان قابل بررسی جدی است. از جمله این که
رسمی‌ترین واکنش به این فاجعه از طرف جمهوری اسلامی
ایران- در کنار اظهار نظر صادق خلخالی مبنی بر اخوان
الشیاطین خواندن اخوان المسلمین- پیامی رسمی بود که
نهضت‌های آزادی‌بخش صادر کرد و سراسر به اخوان حمله‌ور
شده بود. این موارد به صورت اجمالی در این جا توضیح داده
شده است: «سعودی، برجام و انتخاب‌های سخت». رویکردی
نوبه گزینه‌های ج.ا. ایران در دیپلماسی منطقه‌ای. اندیشکده
مرصاد. آبان، ۱۳۹۴



[۷]. سعید ساسانیان. «اخوان المسلمین را پای روابط با مصر ذبح نکنیم». سایت رصد. ۲۰ خرداد، ۱۳۹۳ قابل دسترس در:
<http://yon.ir/OkFQ>



رفتار هم‌سوی الیسی با محور مقاومت در بحران سوریه، اگرچه باید دقیق‌تر دیده شود اما در صورت توسعه روابط، می‌تواند فرصت‌ها و تهدیداتی را برای محور مقاومت و به خصوص جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید.



نشانی پایگاه اینترنتی:

www.Tabyincenter.ir

شماره تماس جهت اعزام سخنران:

۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شبکه (کانال) اندیشکده راهبردی تبیین در تلگرام:

@Tabyincenter

